

مکمل و بی نظیر
پنجمین اجلاس عرب و غیر عرب
دکتر کاظمی

Mahdaviat
in present time

the 5th
Meeting of reviewing existence
dimension of hazrat

Mahdi

(May GOD hasten his reappearance)

حکومت جهانی امام عصر

و نظریه جهانی شدن در عصر ما

دکتر بهرام اخوان کاظمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکومت جهانی امام عصر عجل الله فرجه
و نظریه جهانی شدن در عصر ما

دکتر بهرام اخوان کاظمی

به سفارش
دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه

اخوان کاظمی، بہرام، ۱۳۴۳
حکومت جهانی امام عصر و نظریہٴ جهانی شدن در عصر ما / بہرام
اخوان کاظمی؛ بہ سفارش دبیرخانہٴ دائمی اجلاس حضرت مہدی - قم:
سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانہٴ دائمی اجلاس حضرت مہدی،
۱۳۸۵

۶۱ ص.

ISBN: 964-96877-1-8 ۶۰۰۰ ریال

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامہ بہ صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - ۲. جهانی شدن -
جنبہ‌های مذہبی - اسلام. الف. اجلاس حضرت مہدی، دبیرخانہٴ دائمی.
ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

ح ۸ الف ۳۵ / ۳۵ / ۵۱ BP

۸۵-۹۰۰

کتابخانہ ملی ایران

حکومت جهانی امام عصر علیہ السلام و نظریہٴ جهانی شدن در عصر ما

مؤلف: دکتر بہرام اخوان کاظمی

تدوین / ناشر: دبیرخانہٴ دائمی اجلاس حضرت مہدی علیہ السلام

نوبت چاپ: اول، بہار ۱۳۸۵

چاپخانہ: گلہا

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

شابک: ۸ - ۱ - ۹۶۸۷۷ - ۹۶۴

کلیہ حقوق محفوظ می باشد.

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

کارشناسان ارزیابی؛ ہیأت علمی دبیرخانہٴ اجلاس؛
بازبینی نہائی؛ سید جمال الدین شمس؛ مدیر ہماہنگی و نظارت؛ مجید افشار؛
مدیر تولید و نشر؛ سید محمد باقی زادہ؛ صفحہ آرائی؛ سلمان فردوسی زادہ؛
طرح جلد؛ حمیدرضا پورحسین.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
گفتار اول: مفهوم جهانی شدن و برداشتهای مختلف از آن ...	۹
- مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی.....	۹
- برداشتهای مختلف از جهانی شدن.....	۱۲
- ابعاد و دستاوردهای منفی	
جهانی سازی غربی (بطور اخص).....	۱۷
گفتار دوم: جهان گرایی و جهان شمولی اسلام.....	۲۶
گفتار سوم: جهانی سازی مهدوی و شاخصه های آن.....	۳۲
۱- حاکمیت جهان شمول اسلام	
و برجیدگی شرک و اختلافات بشری.....	۳۳
۲- حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی.....	۳۵
۳- برقراری امنیت و آرامش همه جانبه.....	۳۷
۴- رفاه و رشد پایدار اقتصادی.	
استغنائی عمومی و رفع فقر.....	۳۷
۵- رشد و ترقی علوم، فنون و شکوفایی و	
کمال عقلانیت بشری.....	۳۹
۶- تکیه بر استدلال و اقناع و	
کسب مقبولیت و رضایت عمومی.....	۴۱
۷- گفتمان واقعی و احتجاج با سایر ادیان.....	۴۲
۸- حفظ و ارتقاء کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه.	۴۵
۹- نفی قومیت مداری و نژادپرستی.....	۴۸
۱۰- حکومت شبه فدرالی و احترام به سایر ملل.....	۵۰
۱۱- نوسازی و احیاء دینی بر مبنای مقتضیات جدید..	۵۰
۱۲- تحول شگرف در حوزه ها و	
فضاهای ارتباطی و رسانه ای.....	۵۴
۱۳- رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جانداران... ..	۵۶
استنتاج.....	۵۸



چکیده

این مقاله با تبیین مفهوم و برداشتهای مختلف از پدیده روز افزون جهانی شدن یا جهانی سازی به مقایسه دو آموزه جهانی سازی مهدوی با جهانی سازی غربی پرداخته و با تشریح ویژگی و شاخصه‌ها و تبعات هر یک - بویژه در آموزه دولت جهانی مهدی عجل الله فرجه - برتری الگوی آرمانی جهانی سازی مهدوی برای نجات بشریت و حیات هستی را به شیوه مستدل و طی سه گفتار نمایان می‌سازد و آموزه جهانی سازی غربی یا آمریکایی را به دلیل ماهیت مادی، یک طرفه، سلطه‌گرانه، استکباری و امپریالیستی مردود می‌شمارد و آن را نفی می‌کند.

مقدمه

جهانی شدن یا جهانی سازی،^(۱) پدیده‌ای



1. Globalization.

✱ انکارناپذیر در عالم امروز است و با پیشرفتهای روزافزون بشری بویژه در عرصه علوم، فناوری، ارتباطات و اطلاعات، حمل و نقل و ... جهان هر روز بیش از پیش به سوی تحقق تدریجی این امر گام برمی دارد. نوشتار حاضر در سه گفتار اصلی، با تبیین مفهوم و برداشتهای مختلف از این فرایند، معتقد است که در حال حاضر ماهیت اصلی پدیده جهانی شدن، غربی و بویژه آمریکایی است که در بطن آن سلطه گری، استکبار ورزی، استثمار و امپریالیستی جدید نهفته است و اگر چه نمی توان از بسیاری جوانب مترقی و ایجابی آن چشم پوشید؛ اما تبعات و پیامدهای منفی و ویرانگر آن نیز برای بشریت و آحاد جامعه جهانی غیر قابل انکار است. مقاله حاضر با اشاره به این پیامدهای منفی، معتقد است آموزه و پدیده جهانی سازی در اساس، پدیده لازم و مثبتی است و باید از این راهبرد به نحو احسن سود جست و با اصلاح آفات و اعمال صحیح، آن را در خدمت بشریت قرار داد، همانطور که ادیان الهی و بویژه اسلام و حتی مصلحین بشری، جملگی جهانی اندیشیده اند و همچنانکه آموزه های قرآنی و روایی اسلامی نیز خود را به صورت جهان شمول مطرح کرده اند.

طرح حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه و جهانی سازی مهدوی نیز در حقیقت راهبرد آرمانی و





نهایی جهان و طنانه اسلامی و نسخه درمان جامعه بشری از آلام، حرمانها و تنگناهای بی شمار خویش است.

مقاله حاضر با مقارنه جهانی سازی مهدوی با جهانی سازی غربی؛ ویژگی‌ها و شاخصه‌های هر دو - بویژه عصر مهدوی - را تبیین نموده و با ارائه استدلالهای لازم، برتری بی چون و چرای الگوی جهانی سازی مهدوی را برای نجات بشریت و حیات هستی نمایان می سازد. در این راستا پژوهش حاضر قصد دارد به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

۱- جهانی شدن یا جهانی سازی به چه مفهومی است و چه برداشتهایی از آن وجود دارد؟ تبعات مثبت و منفی آن کدام است؟ و ماهیت واقعی جهانی سازی امروزی چیست؟

۲- آیا اسلام و ادیان الهی نیز دارای رسالت جهان شمولی و جهانگرا بوده‌اند؟

۳- نهضت و آموزه جهانی سازی مهدوی واجد چه ویژگیها و شاخصه‌هایی است؟ و وجوه تمایز و برتری آن نسبت به سایر آموزه‌های جهانی سازی در چه شاخصه‌ها و خصائصی نهفته است؟

مفروض این نوشتار را نیز به اجمال می توان اینگونه طرح نمود:

با وجود جوانب مثبت پدیده جهانی سازی، ماهیت اصلی و فعلی این پدیده غربی و بخصوص آمریکایی،



✱ سلطه ورزانه و استکباری است. در حالیکه نهضت و
آموزه جهانی مهدوی، الگوی آرمانی و راهبردی برتر و
متعالی است و نجات بشریت و حیات هستی را با
خواست و اراده الهی به ارمغان خواهد آورد.



گفتار اول: مفهوم جهانی شدن

وبرداشتهای مختلف از آن

مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی: جهانی شدن بدون شک یکی از متداولترین اصطلاحات دهه حاضر در جهان و پدیده‌ای جدی و جاری در عرصه کنونی و دهه‌های آینده است. روزنامه نگاران، سیاستمداران، مدیران تجاری، دانشگاهیان و سایرین با به کار بردن این اصطلاح قصد دارند نشان دهند که پدیده‌ای ژرف در حال وقوع است. جهان در حال تحول است و نظمی نو در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی ظهور می‌یابد. اما به کارگیری این اصطلاح در موارد بسیاری توسط افراد متفاوت برای اغراض گوناگون، چندان فراوان است که تعیین موضوع مورد بحث در جهانی شدن، کارکردهای این اصطلاح و اثراتش بر نظریه و سیاست معاصر را دشوار نموده است. بنابراین به رغم تداول مصطلح جهانی شدن یا جهانی سازی، هنوز تعریف جامع و مانع و بازوایا و ابعاد روشن و محسوس برای این مفهوم جدید و دستخوش تحول که عمر آن نیز کمتر از دو دهه است؛ ارائه نشده است.^(۱) البته تعاریف متعددی

۱. خوشبختانه کتب و مقالات بی شماری حتی به زبان فارسی درباره پدیده جهانی شدن به رشته تحریر درآمده است. به عنوان نمونه ر.ک:

- گس‌هال، ساموب و...، روندهای اخیر جهانی شدن و



✱ در این باب عرضه شده؛ مثلاً در تعریفی بسیط، جهانی شدن را با چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات تعریف کرده‌اند یا آن را برای توصیف روندی به کار می‌برند که در آن اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق یک بازار تازه جهانی، سازمانهای سیاسی فرا ملی و فرهنگ جهانی تازه دست می‌زنند. به نظر اینان دورنمای جهانی شدن، گسترش بازار جهانی سرمایه‌داری، زوار دولت ملت، گردش پرشتاب تر کالاهای و انسانها، اطلاعات و قالبهای فرهنگی است و از منظری دیگر به معنای شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل است و به یکسان سازی و یا مشابه کردن کشورها و فرهنگهای جهان می‌انجامد.

در این راستا با توسعه ماهواره‌ها، گسترش نظام‌های ارتباطی و الکترونیکی و افزایش رسانه‌ها

آلترناتیوهای واقعی آن، ترجمه هما احمدزاده، احمد جوهریان، تهران، پژوهنده، ۱۳۸۱.

- سمیر امین، سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.

- سرژلاتوش، جهانی شدن غربی‌سازی جهان، ترجمه فرهاد مشتاق‌صفت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

- جان آرت شولت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، مترجم مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.





و کاربرد اینترنت و ازدیاد کانالهای تلویزیونی و نفوذ فرامرزی آنها، مرزهای ملی از بین رفته و یا کمرنگ می‌شود. کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی حاکم می‌شود. طی این فرایند، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. بدین ترتیب می‌توان جهانی شدن را به فرایندهایی تعریف کرد که بر اساس آن همه مردم جهان در جامعه‌ای واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند و این مفهوم در نمایی عام عبارت است از: در هم ادغام شدن بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار و شکافته شدن مرزهای ملی، رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهانی، بویژه در سطح قدرت‌های بزرگ، گسترش نوآوری‌های تکنولوژیک، رشد روزافزون تجدد و نوگرایی، جهانی شدن تولید و مبادله و در این راستا گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، تمرکز زدایی، توسعه فضای رقابتی مبتنی بر ائتلاف و ادغام، یکپارچگی بازارهای مالی جهانی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات زدایی و برداشته شدن ضوابط حمایت‌گرایانه بازرگانی داخلی و ملی.





بدین ترتیب می‌توان جهانی شدن را بر حسب تعاریف موجود، شکل‌گیری شبکه‌ای دانست که در چارچوب آن، اجتماعاتی که پیش از آن در کرهٔ خاکی دور افتاده و منزوی بودند، بر پایهٔ وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند و ارتباط آنها با یکدیگر چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، بسیار نزدیک و متقارن و حتی چهره به چهره می‌گردد و هویت انسانها از سیطرهٔ یک جامعه و یک ساختار اجتماعی ثابت خارج شده و از یک هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصهٔ بین‌المللی متأثر خواهد گشت. کوتاه سخن آن که بسیاری از صاحب نظران، ویژگی‌های عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیکی جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهان آگاهی، پایان جغرافیا و عصر سیرنیتیک خلاصه کرده‌اند. دوره‌ای که روابط فراملی جایگزین روابط بین‌المللی می‌گردد و جامعه مدنی جهانی به عنوان شبکه‌ای از سازمانهایی که اهداف و آرمانهایش مرز نمی‌شناسد، به عنوان مظهري از روابط فراملی آشکار می‌گردد.

برداشتهای مختلف از جهانی شدن: دیدگاهها و دریافتهای متنوعی درباره مسأله جهانی شدن وجود دارد. برخی جهانی شدن را چیزی فراتر از





مرحله‌ای گذرا و موقت در تاریخ بشر نمی‌دانند. برعکس، عده‌ای دیگر آن را تبلور رشد سرمایه داری غرب و نوسازی تلقی می‌کنند. گروه سوم، جهانی شدن را یک تحول اساسی در سیاست جهانی قلمداد می‌کنند که فهم آن نیازمند تفکر جدیدی است. (۱)

از منظر برخی صاحب نظران، در رهیافت‌های مختلف، سه نوع جهانی شدن ملحوظ است: یکی جهان گرایی راستین و کامل که هم مادی و هم معنوی است و علاوه بر توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی را در بردارد. دیگری جهان‌گرایی ناقص و نارسا که صرفاً اقتصادی و تک‌ساختی است و سوم جهان‌گرایی کاذب و سلطه جویانه و تنازعی که همان جهانی سازی آمریکایی با ماهیتی سیاسی و سلطه جویانه و انحصار طلبانه است که با لحاظ آمریکا در رأس قدرت جهانی، یکه‌تازانه به دنبال افزایش قدرت این کشور و افزایش وابستگی جهانی به آمریکا است. (۲)

۱. ر.ک: اسماعیل مردانی‌گیوی، جهانی شدن نظریه‌ها و رویکردها، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، شماره ۱۶۷-۱۶۸، صفحه ۳۲.

۲. ر.ک: علیرضا صدرا، آسیب‌شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهان‌گرایی مهدویت، قیسات، سال نهم، پائیز ۱۳۸۳، ص ۱۶۰.





اما شاید بتوان گفت که درباره فرایند جهانی سازی یا جهانی شدن دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی دیدگاه مثبت‌نگر و دیگری منفی‌نگر. از دیدگاه مثبت‌نگر، جهانی سازی می‌تواند با استفاده از عرصه فن آوری اطلاعات (IT) همانند پلی، تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کرده و محرومیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد. هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی یا دست کم انسانی را بر جهان حکم‌فرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را میان بشریت ایجاد نماید. جهانی سازی می‌تواند مردم دنیا را هم‌پیکر نماید تا همانند یک اندام‌واره در فکر صلاح و اصلاح یکدیگر بر آمده و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مُخَلِّ تکامل بشری مبارزه کنند.

اما بر مبنای دیدگاه دوم، متأسفانه فرایند جهانی سازی فعلی اگر چه دارای برخی فواید از موارد پیش‌گفته بوده است، ولی در حقیقت هدف اصلی آن، چیزی نیست جز یکپارچه کردن جهان و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه داری به سرمداری آمریکا. بازاری که همه مؤلفه‌های حیات اجتماعی، از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ، به زبان منفعت‌طلبی و استکبار ورزی ترجمه می‌شود و سلطه بی‌چون و چرای تمدن





غرب و استیلای بیشتر کشورهای دارا علیه کشورهای فقیر را به دنبال دارد. امروزه حتی برخی از اندیشمندان غربی از جهانی شدن به عنوان یک خطر و تهدید بالفعل و بالقوه در راستای آمریکایی شدن جهان نام می‌برند.

به همین دلیل، برخی همانند والرشتاین، دان دویچ و لستی، با نگاهی بدبینانه جهانی سازی را اقتصادی سازی جهان، استثمارگری و استعمار شونده‌گی جهانی می‌دانند. چرا که نظریه آنان به جوهره هژمونیک، تنازعی و هابسی - داروینیستی این فرآبرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینیسم جهانی را ترویج می‌کند. نظریه سیاست قدرت هانس مورگنتا، نظریه و بلکه راهبرد و دکترین تنازع تمدن‌های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی نو محافظه کاران آمریکایی، اشغال، یکه‌تازی، یک‌جانبه‌گرایی و نظامی‌گری آنان تحت عنوان مبارزه با تروریسم، تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال‌گری و تجزیه کشورهای و دولت‌ها از جمله آثار و عوامل تحقق جهانی سازی غربی است که مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی و سرمایه سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه بوده و علاوه بر استفاده از میلتاریسم، از شیوه‌ها و ابزارهای تازه تحمیق علمی و فرهنگی و تطمیع اقتصادی و تکنولوژیکی بهره می‌گیرد.





بی دلیل نیست که اندیشمندانی مانند پولانی، اسکات گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرابرد جهانی سازی، با تعابیری مانند غربی سازی، آمریکایی سازی، و گاه نئو امپریالیسم در قالب نظام تازه تک قطبی و دهکده جهانی یاد کرده اند.^(۱)

جهانی سازی از نوع غربی یک پروژه تحمیلی و یک طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می کند و با تکیه بر بنیادهای نئولبرالیستی و سرمایه داری، در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی آمریکایی و غربی کردن انسانها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است. پیروان این نگرش، جهانی شدن را مقوله ای ارادی و در کنترل عده ای خاص می دانند. به زعم آنان، این اراده در حال حاضر در اختیار جهان سرمایه داری است. می توان گفت که از این دیدگاه، جهانی شدن مرحله تازه ای از امپریالیسم است که در آغاز به صورت همبستگی ظاهر شده و اخیراً خود را در چهره جهانی نمایانده است. شون هیلی به عنوان یکی از مخالفان جهانی شدن، آن را پروژه ای تحمیلی می داند و عقیده دارد که تنها حوزه های بخصوصی جهانی شده است. به گفته وی در خلال دهه ۹۰ نه تنها ثروت جهانی نشده است، بلکه در دست عده ای





خاص متمرکز گردیده است. تکنولوژی با آنکه بسیار تواناتر از گذشته گشته، اما جهانی نشده است و حتی رشد اقتصادی که پایه و اساس برتری تاریخی سرمایه داری است، صورت جهانی نیافته است. (۱)

ابعاد و دستاوردهای منفی جهانی سازی غربی (بطور اخص): بدین ترتیب و به باور بسیاری و همانطور که ذکر شد؛ جهانی سازی غربی یکی از غالب ترین برداشتهای نظری و عملی از اصطلاح و مفهوم جهانی شدن است. به اعتقاد بسیاری، جهانی سازی در اساس خود مستلزم غربی شدن جهان و پوششی برای سلطه سرمایه داری است. لذا این اصطلاح بطور غالب، واژه‌ای جایگزین برای گفتمانها و مصطلحاتی کهنه تر همانند امپریالیسم و نیز نوگرایی است. جهانی شدن به عنوان مفهوم جایگزین امپریالیسم، توجه ما را به سلطه کشورهای بسیار توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه یا سلطه شرکتهای فرامیلتی بر اقتصادهای ملی و محلی معطوف می کند. از این گذشته جهانی شدن می تواند به عنوان مفهومی پوششی، وحشت جهانیان را از استعمارگرایی خنثی کند. این

۱. ر.ک: کاظم غریب آبادی، جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳ و ۱۹۴، ص ۲۳ و ۲۴.



✱ مفهوم می‌تواند در قالب گفتمان امپریالیسم نو، استثمار دائمی بسیاری از کشورهای دنیا توسط ابرقدرتها و شرکت‌های غول‌پیکر فراملی را پنهان سازد و لذا برخی ابعاد مخرب‌تر و وحشیانه‌تر توسعه معاصر را مخفی نگاه دارد.

حتی کلیت جهانی شدن از نگاه منتقدان، نابودی سنن محلی، وابستگی مستمر کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند، نابودی محیط زیست، همگون شدن فرهنگ‌ها و شیوه زندگی روزمره را به همراه می‌آورد. دامنه این منتقدان بسیار وسیع است. حتی مارکسیست‌ها، لیبرال‌ها و هواداران چند فرهنگی بودن جهان که بر تهدید حاکمیت ملی، سنن محلی و دموکراسی مشارکتی از سوی نیروهای جهانی انگشت می‌گذارند یا هواداران محیط زیست که از پیامدهای اکولوژیک مخرب جهانی شدن عنان گسیخته هراس دارند و محافظه کاران که جهانی شدن را تهدیدی برای فرهنگهای ملی و محلی و تقدس سنت‌ها به شمار می‌آورند.^(۱)

جهانی‌سازی غربی با سلطه بر اقتصاد و سیاست جهانی به دنبال امحاء ادیان و فرهنگ‌های

۱. ر.ک: داگلاس کلتر، نظریه انتقادی جهانی شدن، ترجمه حسین شریفی رهنانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، شماره ۱۷۹ - ۱۸۰، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.





بومی رقیب و جلوه دادن فرهنگ غربی به عنوان فرهنگ برتر بوده و بحران هویت را در عرصه سایر دول و ملتها دامن زده است. یکی از اندیشمندان غربی بنام پتراس تصویری که از شکل و شمایل جهانی شدن ارائه می نماید، چهره‌ای از یک نظام مبتنی بر امپریالیسم فرهنگی متکی بر سیطره مطلق اقتصادی غرب است. از منظر وی اینگونه امپریالیسم فرهنگی به مفهوم اعمال نفوذ دائم و تسلط فرهنگی بر توده‌ها توسط طبقه حاکم غرب به منظور نظام بخشی مجدد به ارزش‌ها، رفتارها، نهادها و هویت مردم استثمار شده برای همسویی با منافع طبقات استثمارگر است.^(۱)

دو اندیشمند دیگر یعنی لایبزو و کاتر که جهانی شدن را به مثابه سلطه بی چون و چرای تمدن غرب می دانند؛ بر این باورند که استیلا همان چیزی است که در لوس آنجلس بسته بندی می شود و سپس به دهکده جهانی ارسال می گردد و آن گاه در مغز انسان‌های بی گناه می نشیند. گفته رابرتسون نیز همان نگرانی‌ها را تشدید می کند: جهانی شدن متضمن فشار بر جوامع، تمدن‌ها و سنت‌ها از منظر نمایش آنها روی صحنه جهانی فرهنگی و با هدف



۱. ر.ک: محمد قراگوزلو، جهانی شدن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۸۱، شماره ۱۷۷ - ۱۸۸، ص ۸۰.

توجه به هویت اندیشه‌ها و نمادهای مربوطه است. (۱)

شایان ذکر است که جهان سرمایه داری به رهبری آمریکا، نیز از اندیشمندان و نظریه پردازان پروپاقرصی نیز سود می‌برد که بشدت طرفدار نظریه جهانی سازی آمریکایی و در سایه مکتب لیبرال دموکراسی می‌باشند. از جمله به عقیده بارکر، جهانی شدن با توجه به گسترش سلطه سرمایه داری آمریکا، امری طبیعی و تحقق آن به سود همه مردم جهان است. لذا سرمایه داری آمریکایی می‌بایست مردم تحت سلطه خود را قانع کند که راه و رسم آمریکایی، همان پدیده‌ای است که آنان مطالبه می‌کنند و در این گیر و دار البته هژمونی آمریکا امری طبیعی و به سود همه مردم جهان است. (۲)

همچنین فرانسیس فوکویا که فرجام تاریخ را در غلبه تمدن و فرهنگ آمریکایی و مکتب لیبرال دموکراسی می‌بیند با نخوتی آشکار منظر خود را از جهانی شدن آمریکایی چنین بیان می‌کند:

فرآیندی بنیادی در کار است تا الگوی تکاملی مشترکی برای کل جوامع انسانی دیکته کند. بطور فشرده، جهانی شدن چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در

۱. ر.ک: همان.

۲. ر.ک: همان.



راستای دستیابی به لیبرال دموکراسی است.^(۱)



جالب اینجاست که این ادعاهای مغرورانه در حالی صورت می‌گیرد که امروزه شاهد بحرانهای متعددی در دنیای غرب (آمریکا و اروپا) هستیم که از جمله آنها بحران معنویت، بحران مشروعیت، بحران هویت، بحرانهای اخلاقی و فساد اقتصادی، و بحران محیط زیست می‌باشد. عارضه‌های این بحران‌ها نیز ظهور گسترده‌ای یافته است که از جمله آنها: آلودگی محیط زیست، ماشینی شدن و مادی شدن سپهر زندگی انسان غربی، افول نظام‌های تعلیم و تربیت، بی‌معنی شدن و یا کاهش معنای زندگی، از خود بیگانگی افراد و جوامع، ناهنجاری و ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها، فقدان عدالت اجتماعی، کنترل احزاب سیاسی، محدودیت آراء و عقاید عمومی و اعمال آن، ظهور تعصبات نژادی و ملی، عدم عاطفه و روابط صمیمانه میان افراد، بی‌احترامی به قانون و ظهور وندالیسم اجتماعی، تقلیل امنیت اجتماعی و رفاه اجتماعی، گسترش بی‌حد و مرز بی‌بندوباریهای جنسی و خشونت‌های فردی و اجتماعی.

بدیهی است چنین حقایقی بیانگر آن است که نه جهان غرب و نه الگوی جهانی‌سازی غربی نتوانسته و نمی‌تواند در پرتو مکتب مادی‌گرایانه

۱. کاظم غریب‌آبادی، پیشین، ص ۲۲.



✱ لیبرال دموکراسی، به ارمغان آورنده معانی جدید و آرمانی برای حیات بشری باشد. امروزه اگر چه جامعه غرب از لیبرالیسم به لیبرالیسم نو گرایش یافته است؛ اما حتی برجسته ترین فیلسوف جهان معاصر یعنی یورگن هابرماس این گرایش تازه غرب را به لیبرالیسم وحشی تعبیر نموده است.^(۱) لیبرالیسمی که برای جهانیان چیزی جز افزایش جنگ، فقر و نابرابری به بار نیاورده است. هر چند برای غربی ها نتیجه ای جز افزایش قدرت، ثروت و شکاف بیشتر میان کشورهای فقیر و غنی در بر نداشته است و هژمونی آنها را بر جهان افزوده است و به جای صلح جهانی، ناامنی های بین المللی را دامن زده است.

در سایه جهانی سازی غربی، وقتی صاحبان قدرتمند کارتلها و تراستها که در عین حال، نظام اطلاع رسانی جهانی را نیز در اختیار خود گرفته اند، در شرایطی نابرابر راه بر چشمان ملت های فقیر می بندند و از ره آورد این کورچشمی تحمیلی و ارتباطات یک سویه دست در جیب رقیب ناتوان می کنند. آیا می توان مانند فوکویاما همچنان خوشبینانه از اعتماد متقابل سخن گفت؟

امروزه پنج غول اقتصادی یعنی آمریکا، ژاپن، فرانسه، انگلیس و آلمان از جمع دوستان کارتل و



تراست بزرگ جهان، یکصد و هفتاد مورد از آنها را
 زیر یوغ خود گرفته‌اند. بر پایه گزارش سازمان ملل
 متحد، اندازه منابع ملی و نقدینگی ۳۵۸ نفر از
 اعضای الیگارشی قماربازان جهانی مساوی منابع
 مالی دو و نیم میلیارد انسان است. از سویی حجم
 شگفت‌انگیز قدرت و ثروت در قالب شرکت‌های
 چند ملیتی، به سادگی مرزهای دولتی و هویت‌های
 ملی را در هم می‌شکند و ارزش‌های مورد نظر را -
 که همان لیبرالیزم نو می‌باشد - بر جهان حاکم
 می‌کند. اندیشمندی بنام خوزه دوکاسترو در آثار
 گوناگون خود با آمار و ارقام ثابت کرده است که
 همین کره خاکی می‌تواند چند برابر جمعیت کنونی
 خود را نان دهد و جهان هم در آرامش و صلح دائم
 به سر برد. وی در کتاب سیاه‌گرسنگی جهان معاصر
 را چنین ترسیم کرده است: در عصر ما اکثریتی
 هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا
 چنین وضعیتی دستاوردهای مستقیم جهانی‌سازی
 به شیوه غربی نیست؟ البته این ابعاد منفی تنها به
 حوزه اقتصادی و رفاه‌زدگی کشورهای دارا و
 فقرزدگی کشورهای ندار ختم نشده است، بلکه
 تخریب بنیادهای فرهنگی، ارزشی و اخلاقی آنها را
 نیز بدنبال داشته و دارد. از دید هورک هایمر
 جهانی شدن برای بورژوازی، حکم آب برای ماهی
 را دارد. بنابراین بورژوازی ناگزیر است زمینه‌های



* فرهنگی مورد نیاز را در کشورهای مختلف
 بسط‌سازی کند. و چنین است که می‌بینیم
 جهانی شدن اقتصاد، از جهانی شدن فرهنگ و فرو
 ریختن ارزشها و باورها و خرده فرهنگ‌های محلی،
 بومی و ملی سر در می‌آورد. (۱)

بسیاری است نتیجه و ابعاد منفی چنین
 جهانی شدنی به رفع فقر، نابرابری، تبعیض، جنگ و
 خشونت و ... نیا نجامد. باید پرسید چگونه چنین
 امری می‌تواند متوقع باشد؟ در حالیکه امروزه
 کشورهای توسعه یافته صنعتی و فراصنعتی، کمتر
 از بیست درصد جمعیت جهان را در خود جای
 داده‌اند، حال آنکه بیش از هشتاد درصد ثروت
 جهان را به کیسه کارتلها و تراست‌های خودی
 ریخته‌اند؟!

باید اذعان نمود که متأسفانه دیانت حاکم
 مسیحی و ارباب کلیسا در جهان غرب نیز نتوانسته
 است به مقابله لازم با تبعات منفی این‌گونه
 جهانی‌سازی یکسویه و امپریالیستی بپردازند.
 همچنانکه فیلسوف فرانسوی یعنی پیربوردیو فراتر
 از این ادعا، کلیسای مسیحی را به همسویی با این
 روند و منفعت‌خوااری از این جریان ناسالم جهانی
 متهم کرده است. به عقیده وی:

کلیسای کاتولیک دشمن سرمایه داری نیست. این





کلیسا مایل است مشتی از مزایای نئولیبرالیسم را از آن خود سازد و از اروپا می‌خواهد نئولیبرالیسم را با کاتولیسیسم در هم آمیزد. این همان سرمایه‌داری کشیش زده است.^(۱)

جالب‌تر آنکه بدانیم متأسفانه امروزه بسیاری از تجاوزطلبی‌های آمریکا و تهاجمات این کشور به سایر کشورهای مستقل با آموزه‌های مسیحیت بنیادگرا و همراهی کشیشان و کلیسای این نحله از مسیحیت می‌باشد که به آن صهیونیسم مسیحی^(۲) نیز گفته می‌شود که در همگرایی با صهیونیسم، معتقد به ظهور دوباره حضرت مسیح در بیت المقدس و نجات یهودیان و انهدام سایر ادیان، تمدن‌ها و فرهنگ‌های متعارض، از جمله مسلمانان بدست این منجی بوده و در این راستا هرگونه اعمال جنایت و سرکوب و قساوت را برای صهیونیسم به عنوان زمینه‌ساز ظهور منجی موعود مسیحی و ابزار

۱. ر.ک: همان، ص ۹۰.

۲. اسامی دیگری نیز برای صهیونیسم مسیحی رایج است. از جمله: بنیادگرایی مسیحی، تجدید حیات‌یافتگان، مبلغان انجیل یا مبلغان جنگ جوی انجیل، پیروان خواسته‌های مسیح یا خواسته‌های خدا و تروریسم مقدس.

آراء و اندیشه‌های این نحله بنیادگرای مسیحی در کتاب‌هایی مانند: تدارک جنگ بزرگ، جنگ جوی انجیل، مبلغان جنگ جوی انجیل در بستر جنگ هسته‌ای؛ هر سه اثر کریس‌هال سل و دو کتاب دیگر با عناوین: زمین سیاره بزرگ مرحوم، در پیش‌گویی‌های انجیل جای آمریکا کجاست؟ نوشته کشیشی به نام هال‌لیندسی آمده است.



✱ دست آن توجیه می نمایند. بنابراین هم‌پیمانی و هم‌پیوندی مستحکم زمامداران آمریکایی با صهیونیسم در این راستا توجیه‌پذیر است. با تبیین برداشتهای مختلف جهانی شدن، بویژه ابعاد منفی پروژه جهانی سازی غربی، می‌توان به روشنی ادعا نمود که حکومت جهانی و جهان‌شمول حضرت مهدی عجل الله فرجه هیچکدام از شاخصه‌های منفی پیش‌گفته را ندارد و ضمن برخورداری از زوایا و ابعاد مثبت جهانی سازی، راهبردی حقیقی و متعادل برای این طرح فراگیر است.

گفتار دوم: جهان‌گرایی و جهان‌شمولی اسلام

جهانی سازی و جهان‌گرایی علاوه بر اینکه همواره یکی از اهداف مصلحین بزرگ بشری بوده است؛ اساساً ریشه در تعالیم و رسالت ادیان بزرگ الهی دارد و می‌توان آن را یکی از اصلی‌ترین آرمان‌های همه انبیاء و ادیان بزرگ الهی از جمله اسلام به شمار آورد.^(۱) بنابراین این اصطلاح واژه

۱. برای اطلاع بیشتر از بحث روابط اسلام و جهانی شدن معذور آثاری نگاشته شده است. به عنوان نمونه ر.ک:

- سیدطاها مرقاطی، جهان‌شمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب، ۱۳۸۲.

- محمد قطب، مسلمانان و مسأله جهانی شدن، ترجمه زاهد اویسی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱.





جدیدی نیست و در حقیقت در عصر حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه این رسالت نبوی و هدف اولیاء الهی و ائمه طاهرین علیهم السلام را به بهترین شکل ممکن محقق خواهد ساخت و این طرح جهانی را تکمیل خواهد نمود. زیرا در غیر این صورت خاتمیت دین اسلام معنای حقیقی خود را از دست داده و به واژه‌ای بی معنا تبدیل خواهد شد.

ریشه‌های جهان‌شمولی دین اسلام در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف‌پذیر بودن آموزه‌های آن و حرکت و تطابق اجتهاد آن بر مبنای مقتضیات زمان و مکان نهفته است. باید اذعان نمود که اسلام و دستوره‌های آن با فطرت انسانی که همان بُعد ثابت حیات انسانی است؛ هماهنگ است و به همین خاطر اسلام دین جامع و فراگیر بوده و می‌تواند جهان‌شمول گردد. از سویی عناصر جهانی شدن نیز در مذهب تشیع به وفور دیده می‌شود. از جمله شیعه بیشترین ملازمت را در بین مذاهب با خردورزی دارد. لذا این عناصر را می‌توان در عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن پیام تشیع ملاحظه نمود و تمام این عناصر مورد تاکید و تصریح تشیع می‌باشد.

در اینجا شایسته است قدری به آیات و قرائن



✱ دال بر جهان شمولی اسلام پرداخته شود. از جمله در تعالیم اسلامی، از کره زمین به بیت و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به حساب آمده است. در تفکر قرآنی، انسان - از هر نژاد و جنسیت و طبقه‌ای - نماینده و خلیفه خداوند در زمین است:

وهو الذی جعلکم خلائف فی الارض (انعام /

۱۶۵)؛ اوست خدایی که شما را جانشین قرار داد. این مضمون حداقل در سه آیه دیگر در سوره‌های یونس (آیه‌های ۱۳ و ۷۳) و فاطر (آیه ۳۹) آمده است که رسالت کلی همه افراد انسانی را در این زیست‌گاه که زمین نام دارد؛ تبیین می‌کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راهنمایان برای همه انسان‌ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام بخشی به زیست فردی و گروهی انسان‌ها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند.

قرآن کریم در رسالت اولین رسولان الهی چنین گفته است:

و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة (بقره / ۳۰)؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

و در خطاب به داود پیامبر علیه السلام چنین آمده است:

یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض (ص / ۲۶)؛ ای داود ما تو را در زمین به خلافت و جانشینی گماردیم.





این آیات بیانگر آن است که رسول حق به عنوان نماینده و مدیر منصوب الهی در کل پهنه زمین مأموریت می‌یابد؛ نه در بخش خاص یا نژادی ویژه. درباره پیامبر اسلام این رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح گردیده است:

۱- تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً (فرقان / ۱)؛ بزرگوار است پاک خداوندی که قرآن را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا اهل عالم را متذکر و خداترس گرداند.

۲- قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً (اعراف / ۱۵۸)؛ بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

۳- و ما ارسلناک الا کافّةً للناس بشیراً و نذیراً (سبا / ۲۸)؛ و ما تو را جز مژده‌آور و هشدار دهنده برای تمامی مردم نفرستادیم.

این آیات بیانگر آن است که هدف اسلام همانند سایر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کلیت جامعه انسانی در فراخنای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین خاطر این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزی یگانه فرا می‌خواند. همچنانکه در صدر اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و ... نامه می‌نویسد و آنان را به تن دادن به





مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می نماید.

برای تبیین این اصل محوری، واژه‌های الانسان و الناس در قرآن بارها به کار رفته است. نزدیک به ۲۴۰ بار کلمه الناس در قرآن آمده و نزدیک به ۶۵ بار کلمه الانسان تکرار شده که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی می باشد، و در بسیاری از موارد عمومیت و کلیت خطاب‌ها بسیار روشن است. مانند: قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین (حج/ ۴۹)؛ بگو: ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم. و یا انی جاعلک للناس اماماً (بقره/ ۱۲۴)؛ من تو را پیشوای مردمان قرار دادم.

در این خطاب‌های قرآنی هدایت الهی و آموزش‌های پیامبران برای همه انسان‌ها ضروری شمرده شده است، و فرق‌ها و امتیازهای موهوم که ممکن است یگانگی و یکپارچگی جامعه انسان را بگسلد، باطل و پوچ معرفی گشته است. بدین گونه نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی فراگیر و جهانی است که هیچ مرز و مانعی را در راستای اهداف بلند جهان‌شمول و جهان‌وطنانه خویش نمی شناسد. (۱)

در آیه ۱۴۳ سوره بقره به صراحت بر مسأله

۱. ر.ک: محمدحکیمی، جهانی‌سازی اسلامی - جهانی‌سازی غربی، فصلنامه کتاب نقد، پائیز و زمستان ۱۳۸۱، شماره ۲۴ و ۲۵، ص ۱۰۸ الی ۱۱۲.





جهانی سازی تأکید شده و آن را مسئولیت خطیر جامعه اسلامی به شمار آورده و از آنها می خواهد با تمام توان خود در ساخت و ساز ملت ها و اصلاح جوامع بشری در سراسر جهان بکوشند. آنجا که می فرماید: **و کذلک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً؛ و ما شما مسلمین را با آیین اسلام هدایت کردیم به اخلاق معتدل و سیرت نیکو، تا گواه مردم باشید و سایر ملل عالم نیکی و درستی را از شما بیاموزند. و پیغمبر را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید.**

همچنین قرآن در آیه ۲۸ سوره فتح فرموده است: **هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کنی بالله شهیداً؛ او خداست که رسول خود را با قرآن و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این سخن، گواهی خدا کافیست.**

در این آیه به برتری فرهنگ اسلامی اشاره شده تا شایستگی آن بر دیگر فرهنگ ها را در راستای جهانی سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای همه عالمیان مبرهن سازد. از دیدگاه آیات الهی در چنین حیات مؤمنانه ای برکات الهی، جهان را فرا خواهد گرفت:

و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض (اعراف / ۹۶)؛ چنانچه



✱ مردم شهرها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمانی و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم.

بدین ترتیب هرگاه ایمان و تقوا (التزام به تعهدات انسانی) در جامعه گسترش یابد و انسان‌ها حریم خود و خدا را حفظ کنند؛ هرآئینه برکات الهی جهان را فرا خواهد گرفت. و اگر مسلمانان جهانیان را به این حقیقت رهنمون شوند، آنگاه زمام جهانی سازی بشر دوستانه را به دست گرفته و مسئولیت پیش‌گفته خویش را در برابر خدا و خلق به نحو احسن ادا خواهند نمود.^(۱) در این صورت فرهنگ اسلامی جهانی خواهد شد و آگاهی و دانایی گسترش یافته و عدل، جهان را در بر خواهد گرفت و کلیه نظام‌های سلطه و استثمار جهانی فرو خواهد ریخت.

گفتار سوم: جهانی سازی مهدوی و شاخصه‌های آن

همانطور که بیان شد اسلام دینی است با اصول و آرمان‌های جهانی، و از همان ابتدای ظهور خویش به دنبال ایجاد حیات طیبه در سطح عالم و برای کلیهٔ آبنای بشری بوده، بدیهی است بنا به معتقدات اسلامی و شیعی، جهانی شدن اسلامی و

۱. ر.ک: محمد هادی معرفت، جهانی شدن زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود، فصلنامهٔ قیاسات، پائیز ۱۳۸۳، ص ۵۹.





حیات طیبه جهانی در آخرالزمان و در عصر و دولت مهدی عجل الله فرجه تحقق قطعی خواهد یافت. چنین جهانی شدنی با هیچ پروژه و یا طرح جهانی سازی فعلی نه از حیث نظری و نه عملی و نه از حیث شمولیت و فراگیری و مقیاسهای موجود قابل مقایسه و اندازه گیری نیست، و فقط شناخت مقدماتی آن از راه احادیث وارده ممکن است. به همین جهت قصد بر این است که در ادامه سخن، پاره‌ای از ویژگی‌های دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله فرجه و حکومت جهانی سرشار از حیات طیبه وی - آن‌هم نه از باب حصر بلکه از باب احصاء و اشاره - مرور و بازیابی گردد:

۱ - حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری: در نظریه‌های جهانی شدن غربی که زیر بنای بسیاری از آنها مکتب لیبرال دموکراسی است؛ با اعتقاد به نسبییت اخلاقی و ارزشی، اعمال اصل تساهل و رواداری افراطی نسبت به کلیه عقاید و ادیان جزء ادعاهای اصلی است و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم نسبت به دیانت و مذهب خنثی می‌باشد و از منظر آنها حمایت و جانبداری از یک مذهب به معنای دخالت در آزادی‌های فردی و مخدوش نمودن آزادی عقیده و ابراز عقاید است. این در حالی است که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در



✱ سرلوحهٔ جهانی سازی لیبرال دموکراسی است. در حالیکه در حکومت جهانی مهدوی، بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، اسلام به عنوان آئین مطلق و برتر و متعالی به جهانیان معرفی و از سوی آنان نیز مورد شناسایی و پذیرش قرار می‌گیرد. روایاتی در تأیید این مطلب ذکر می‌شود:

محمد ابن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه ابن موسی روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که ایشان فرمودند: و له اسلم من فی السموات والارض طوعاً و کرهاً؛ یعنی اهل آسمان‌ها و زمین مطیع و منقاد وی می‌شوند، پاره‌ای از صمیم قلب و پاره‌ای به اکراه. همچنین آن حضرت فرمودند: وقتی قائم آل محمد قیام کند مکانی در روی زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله در آنجا به آواز بلند گفته می‌شود. (۱)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور می‌فرمایند: وقتی قائم ما قیام کند ... اهل هیچ دینی باقی نمی‌ماند مگر اینکه اظهار اسلام می‌کنند و با ایمان مشهور و معروف می‌گردند ... (۲)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: درباره این آیه از پدرم پرسیدند، او فرمود: تفسیر این آیه هنوز

۱. علی دوانی، مهدی موعود.

۲. همان.





فرا نرسیده، چنانچه قائم ما قیام نماید کسانی که او را درک می‌کنند چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید. سرانجام آئین محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند پایان شب به صبح صادق روشن شده و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند. (۱)

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: در زمین هیچ ویرانه‌ای باقی نمی‌ماند مگر اینکه آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند مگر اینکه دچار حریق گشته و می‌سوزد. (۲)

در جای دیگر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام ضمن پاسخ به سؤالهای مفضل و قابل تطبیق دانستن آیه ۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی عَجَلُ اللهُ رُجْعَهُ می‌فرماید:

... هر آینه اختلاف ملت‌ها و دین‌ها از میان برداشته می‌شود و همه دین برای خدا و یکی می‌گردد؛ چنانکه خدای تعالی فرموده: ان الدین عند الله الاسلام و نیز فرموده ومن يتبع غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه وهو من الخاسرين^(۳)، [۸۵ آل عمران]. یعنی هر که غیر از اسلام دین دیگری بطلبد هرگز از او قبول نمی‌شود و او در روز قیامت از جمله زیانکاران است.]

۲- حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی: ویژگی

۱. علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۳۵۷، (به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶).

۲. همان، ص ۳۶۱ (به نقل از کمال‌الدین، ص ۳۳۱).

۳. علی دوانی، مهدی موعود.



❖ اصلی حکومت جهانی مهدوی عدالت است و شاید احادیث نادری درباره عصر ظهور وجود داشته باشد که به این خصیصه و نیاز، و گم‌شده اساسی بشر اشاره ننموده باشد. به خاطر همین کثرت فقط به ذکر احادیث معدودی در این خصوص بسنده می‌شود:

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ... اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را به اندازه‌ای طولانی خواهد نمود تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد ... او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده است ... (۱)

حکومت جهان‌شمول مهدوی در عدالت‌گستری نیز به گونه‌ای فراگیر و بدون تبعیض عمل می‌کند. چنانکه امام حسین علیه السلام در فراز مهمی می‌فرمایند: ... اذا قام قائم العدل، وسع عدله البر والفاجر (۲)؛ هنگامی که قائم قیام می‌کند، عدل گسترده می‌شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد.

عدالت مزبور از حیث نفوذ، حوزه‌های فردی و اجتماعی بشری را در بر می‌گیرد. شاهد این مدعا بیان امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: بدانید همان

۱. علامه مجلسی، ج ۵۱، روایت ۳۵، ص ۸۴.

۲. همان، ج ۲۷، روایت ۲۴، باب ۴، ص ۹۰.





طور که سرما و گرما به داخل خانه‌هایشان نفوذ می‌کند، عدالت او (قائم) نیز به درون خانه‌هایشان راه خواهد یافت (۱).

۳- برقراری امنیت و آرامش همه جانبه: از روایت‌های پیرامون حکومت جهان‌شمول حضرت فهمیده می‌شود که ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت می‌بندد و امنیتی فراگیر در همه گیتی برقرار می‌گردد. چنانکه امام علی علیه السلام درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و عدالت می‌فرمایند: وقتی قائم ما قیام کند؛ به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنانکه باید ببارد می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام آشتی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که یک زن بین عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند. (۲)

۴- رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر: در نهضت جهانی سازی مهدوی، شکاف‌ها و خندق‌های اقتصادی، تبعیض‌های ناروا و فقر و فاقه حاصل از جهانی سازی غربی وجود ندارد و نه

۱. علی سعادت‌پرور، ظهور نور، ترجمه محمدجواد وزیری فرد،

تهران، احیای کتاب، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، صفحه ۱۰۴.



✱ تنها این شکافها پر می‌گردند بلکه جامعه بشری به استغنائی کامل رسیده و حتی فقیری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. چند نمونه از شواهد روایی لازم به شرح ذیل است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چون قائم ما قیام نماید زمین با نور پروردگار نورانی و روشن می‌شود و خلایق از نور و روشنایی آفتاب مستغنی و بی‌نیاز باشند و تاریکی زایل می‌گردد و مردم در ایام سلطنت آن حضرت بسیار عمر می‌کنند... و زمین خزانه‌های خود را آشکار می‌گرداند، به نوعی که خلایق همه آنها را در روی زمین می‌بینند. مرد در آن وقت کسی را می‌طلبد برای اینکه از مالش به او اعطاء نماید تا اینکه صله رحم به جا بیاورد، یا اینکه از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول نماید یافت نمی‌گردد و خلایق به سبب آن چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی‌احتیاج می‌باشند. (۱)

این امام همام، این بی‌نیازی عمومی را چنین تشریح نموده است: ... و در میان خلایق به طریق داود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می‌کند. در این وقت زمین خزانه‌های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می‌گرداند و در این وقت مردی از شما کسی را نمی‌تواند پیدا کند که صدقه‌ای به او بدهد یا احسانی در حق وی

۱. علی دوانی، مهدی موعود، (به نقل از ارشاد شیخ مفید، ص ۳۶۳).





نماید. زیرا همه مؤمنان غنی و مالدار می باشند. (۱)

توسعه وسیع اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول مهدوی در روایات نبوی نیز ظهور آشکار دارد. به فرموده پیامبر ﷺ: **يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَتَنَعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَمُوا مِثْلَهُ قَطُّ، الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، يَرْسُلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا وَلَا تَذْخُرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا** (۲)؛ در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به رفاه و نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. همه چه نیکوکار و چه بدکار از آن جمله اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از روئیدنی های خود را پنهان ندارد.

۵- رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری: جهان امروز که در مسیر جهانی شدن گام بر می دارد؛ اگر چه از حیث پیشرفت علوم و تکنولوژی، ترقی انکارناپذیری نموده است، ولی نه تنها این پیشرفت موجب رفع آلام بشری و رساندن انسان ها به امنیت و آرامش، مساوات و عدالت نگشته است، بلکه میلیاردها مجهول دیگر در مسیر اکتشافات بشری قرار دارد که بشر از حل آنها عاجز است و جهانی سازی غربی نیز نتوانسته به رفع این عجز و ناتوانی کمک بنماید.



۱. همان، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۷۸.

این در حالی است که در عصر حکومت جهانی مهدوی دانش بشری به دستاوردهایی مافوق تصور می‌رسد. امام صادق علیه السلام در بیانی بلیغ، از گوشه‌ای از پیشرفتهای علمی آن عصر چنین یاد می‌فرماید: دانش بیست و هفت حرف است. همه علومی که پیامبران برای مردم آورده‌اند دو حرف بیش نبوده و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را شناخته‌اند؛ ولی وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ابراز می‌کند و آن را در میان مردم گسترش می‌دهد، آن‌گاه آن دو حرف را ضمیمه می‌کند و همه بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌نماید. (۱)

روایات دال بر تبیین وضعیت عصر ظهور، بیانگر آن است که عقول مردم در دوره غیبت به بالاترین مرحله کمال خویش می‌رسد. به فرموده امام باقر علیه السلام: وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده و عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می‌رود. (۲)

در دولت جهانی مهدوی حتی دانش و بینش، آگاهی و شناخت صحیح، مفید، سازنده و کارگشا در خانه‌ها گسترش می‌یابد و حلقه‌های درس و بحث برای زن و مرد در کران تا کران جامعه بشری

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۳.

۲. سعادت پرور، ظهور نور، پیشین، ص ۲۰۲، به نقل از

اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳.



برقرار می شود. به فرموده امام باقر علیه السلام: ... تو تون
 الحکمة فی زمانه حتی أنّ المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله
 وسنة رسوله؛ به مردم زمان قائم عجل الله فرجه آنچه آنچنان حکمتی
 عطاء خواهد شد که حتی زن در کانون خانه خویش بر
 اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه
 داوری می کند و نیازی به دیگری ندارد.

علاوه بر تبیین وضعیت عالی دانش و بینش
 بشری در عصر ظهور، این روایت بیانگر این
 واقعیت است که مردم در روزگار حاکمیت آن
 حضرت بر اساس آداب و مقررات دینی تربیت
 شده و احکام شریعت را آموخته و بر پایه‌ای از
 فرهنگ و فرهیختگی سیر می نمایند که حتی یک
 بانوی خانه دار می تواند بر اساس مقررات کتاب
 خدا و سیره عادلانه پیام آور بزرگ وحی قضاوت
 نماید.

۶- تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و
 رضایت عمومی: جهانی سازی عصر مهدوی مبتنی
 بر استدلال و براهین عقلی است. گواه این مدعا
 فرمایش امام حسن علیه السلام است که در ضمن فرازی
 بلند درباره قائم عجل الله فرجه می فرماید: خداوند در آخر
 الزمان و روزگاری سخت، در میان جهل و نادانی مردم،
 مردی را بر می انگیزد و او را با فرشتگان خود تایید
 می کند و یاران او را حفظ می نماید و با آیات و
 نشانه های خویش او را نصرت می دهد و بر کره زمین



✱ غالب می‌گرداند تا آنجا که مردم پاره‌ای از روی میل و گروهی بی‌میل و با اکراه به دین خدا می‌گروند. سپس زمین را پراز عدل و داد و نور و برهان می‌کند. تمام مردم جهان در برابر وی خاضع می‌شوند و هیچ کافری باقی نمی‌ماند مگر آنکه مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی‌ماند جز اینکه اصلاح گردد... (۱)

این روایت به خوبی بر این مطلب تصریح دارد که اگرچه برخی از مردم جاهل و گمراه در ابتدای حکومت حضرت ممکن است با اکراه به حکومت وی تن دهند ولی وقتی عدل‌گستری و برهان‌های شفاف و مستدل و نورانی وی را ملاحظه می‌کنند در مقابل حکومت وی خاضع شده و با طوع و رغبت و رضایتمندی تمام به آن تن می‌دهند.

لذا نظام حکومت جهانی مهدوی را باید نظامی بر پایه مشروعیت کامل یعنی واجد مقبولیت، حقانیت و قانونیت دانست. مشروعیتی که مانند برخی از نظام‌های سیاسی به اصطلاح مدرن غربی امروزی با دماغ‌کوژی یا فریب افکار عمومی، با کنترل، دست‌کاری آراء عمومی و با نفوذ تبلیغات پردامنه به دست نمی‌آید، بلکه محصول رضایت قلبی آحاد جامعه بشری و حتی سایر موجودات عالم است.

۷- گفتمان واقعی و احتجاج با سایر ادیان: بر



مبنای آنچه که از روایات بر می آید، در
 جهانی سازی مهدوی، اگرچه حضرت بدون هیچ
 تعارفی همه موحدین و غیر موحدین و پیروان سایر
 ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات بخش آن
 با قاطعیت تکلیف می کند، ولی این به معنای اجبار
 صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آئین اسلام
 نیست. بلکه محور کار حضرت - همانطور که از
 نامشان نیز بر می آید - هدایت جامعه بشری است و
 بدیهی است اصل و اساس هدایت می بایستی
 مبتنی بر اقناع باشد. روایات نیز دال بر این مطلب
 است که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون
 تحریف زبور، تورات، انجیل و... را پیدا کرده و بر
 اساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجّه، استدلال
 و گفتگو نموده و بر آن اساس بر آنها حکم می راند
 تا آنکه ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول
 مهدوی هدایت گردند. در همین راستا امام باقر علیه السلام
 می فرمایند: به خدا سوگند یاد می کنم گویا قائم را
 می بینم در حالی که پشت به حجر الاسود داده، بعد از آن
 حق خویش را - یعنی خلافت - از خداوند عالم
 می طلبد. بعد از آن می گوید: ایها الناس! هر که
 در خصوص خدا با من محاجّه و گفتگو نماید، هر آینه
 من نزدیکترین خلایقم به خدا. ایها الناس! هر که در
 خصوص آدم با من گفتگو و محاجّه نماید هر آینه من
 نزدیکترین خلایقم به آدم علیه السلام. ایها الناس! هر که در



✱ خصوص ابراهیم با من حاجّه و گفتگو کند هر آینه من نزدیکترین خلایقم به ابراهیم علیه السلام. ایها الناس! هر که در خصوص موسی با من گفتگو و حاجّه کند هر آینه من نزدیکترین خلایقم به موسی علیه السلام. ایها الناس! هر که در خصوص عیسی با من گفتگو و حاجّه کند هر آینه من نزدیکترین خلایقم به عیسی علیه السلام. ایها الناس! هر که با من در خصوص محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفتگو و حاجّه کند هر آینه من نزدیکترین خلایقم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم. و ایها الناس! هر که با من در خصوص کتاب گفتگو و حاجّه نماید هر آینه من نزدیکترین خلایقم به کتاب خدا. بعد از این سخنان به مقام ابراهیم می رود و دو رکعت نماز در آن به جا می آورد، بعد از آن حق خود - یعنی خلافت - را از خدای تعالی می طلبد. (۱)

امام باقر علیه السلام در بیانی دیگر، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر علیه السلام را با سایر ادیان چنین بازگو می فرمایند: چون قائم اهل بیت قیام کند؛ اموال را بالتسویه قسمت می نماید و در خصوص رعیت با عدالت حکم می کند. پس هر که او را اطاعت نماید، خدا را اطاعت کرده و هر که با او مخالفت کند، خدا را عصیان و مخالفت نموده. نامیدن او به مهدی از این جهت است که خدا او را به امورات مخفی راه می نماید، و تورات و سایر کتاب های خدا را در انطاکیه از مغاره ای بیرون می آورد و در میان اهل تورات با





تورات و در میان اهل انجیل با انجیل و در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌فرماید...^(۱)

۸ - حفظ و ارتقاء کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه: در جهانی سازی حکومت مهدوی، کرامت انسانها و حقوق بشر دوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی‌ترین حدّ خود خواهد رسید. امیرمؤمنان در بیانی، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می‌فرمایند:

سپس به کوفه روی می‌آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمانان در بند نمی‌ماند جز اینکه او را می‌خرد و آزاد می‌سازد و بدهکاری نمی‌ماند مگر اینکه دین او را می‌دهد و مظلماه‌ای نمی‌ماند جز اینکه آن را می‌پردازد و کشته‌ای نمی‌ماند مگر اینکه دیه او را می‌دهد و خانواده او را تأمین می‌کند و همه امور را تدبیر، و کارها را تنظیم می‌نماید تا آنجایی که زمین را سرشار از عدل و داد می‌نماید؛ همانگونه که به هنگام ظهور او، از ظلم و جور لبریز است.^(۲)

پیامبر مکرم اسلام نیز در بیانی ضمن تبیین

۱. همان، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.

۲. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور،

ترجمه و تحقیق، علی کرمی و سید محمد حسینی، قم، دفتر

نشر الهادی، ۱۳۷۶، ص ۶۷۱ و ۶۷۲ (به نقل از تفسیر عیاشی،

ج ۱، ص ۶۶ و معجم احادیث الامام‌المهدی، ص ۲۲).



✱ برکت عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی می‌فرماید:

در آخرالزمان در میان امتم آن نجات‌بخش ملتها قیام می‌کند. خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را به وسیله باران سیراب می‌سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می‌رویاند. اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می‌کند و به دانداری و دامپروری اهمیت می‌دهد و امت را تکریم نموده و عظمت می‌بخشد. (۱)

رعایت کرامت انسانها و حقوق بشر دو ستانه تنها به شخص امام عصر عجل الله فرجه ختم نمی‌شود؛ بلکه یاران وی نیز بر مبنای رعایت این امور با حضرت دست بیعت می‌دهند. علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران خاص حضرت می‌فرماید:

با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند. به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند. طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند. در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند. مسجدی را خراب نکنند. مشروب نخورند. حریر و خز نپوشند. در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند. راه را بر کسی نبندند. راه را ناامن

۱. همان، ص ۷۵۰ و ۷۵۱، (به نقل از عقدالذکر، انتشارات مسجد جمکران، باب ۷، ص ۱۴۴).





نکنند. از اعمال منافی عفت اجتناب کنند، خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند. به کم قناعت کنند. طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند. به نیکی فرمان دهند. از زشتیها باز دارند. جامه‌های خشن بپوشند. خاک را متکای خود سازند. در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند. و... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود. جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد. مرکبی همانند آنها سوار شود. آنچنانکه آنها می‌خواهند باشد، به کم راضی و قانع باشد. زمین را به یاری خدا پراز عدل و داد کند؛ آن چنانکه پراز جور و ستم شده است. خدا را آنچنانکه شایسته است پرستند. برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و...^(۱)

جهانی‌سازی حکومت مهدوی در عین صلابت، مبتنی بر عطوفت، صفا و صمیمیت و مهرورزی و تکریم انسانها بدون هرگونه تبعیضی است. حکومتی که حتی خفته‌ای را بی‌جهت بیدار نمی‌کند و با چنین آرامش‌بخشی‌ای به عالم بشریت، پناه و مأوای جامعه بشری می‌گردد. در توصیف این وضعیت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

مردم به سوی او پناه می‌برند، چنانکه زنبوران عسل به ملکه خود پناه می‌برند. عدالت را در سراسر گیتی



۱. محمد حسین رحیمیان، جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳ و ۱۸۴، (به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۶۵ و ۴۶۶).

می‌گستراند، چنانکه از ستم پر شده بود؛ تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آنها باز می‌گردد. هیچ خفته‌ای را بی‌جهت بیدار نمی‌کنند و هیچ خونی به ناحق ریخته نمی‌شود. (۱)

۹ - نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی: در نهضت جهانی‌سازی مهدوی قومیت‌مداری و نژادگرایی جایی نداشته و از منظرها و ملاک‌های تقوا و شایسته‌سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشر استفاده می‌شود. یکی از نمونه‌های صدق این گفتار گزینش ۳۱۳ یار اصلی امام علیه السلام از کشورهای مختلف و بر مبنای ملاک تقوا، شایستگی و کاردانی می‌باشد. نویسنده عالیقدر کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور طی تحقیق جالبی به نام و شهرها و کشورهای یاران حضرت مهدی اشاره نموده و بر اساس جغرافیای امروز، قریب به بیست و سه کشور^(۲) را به عنوان محل سکونت این افراد معرفی نموده.^(۳) این امر نشانگر آن است که نهضت جهانی مهدوی متکی به قومیت و ملیت خاصی نیست و

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم، مکتبه دآوری، ص ۴۷۸، ب ۷، ح ۲.

۲. برخی از این بلاد و کشورها به شرح زیر است: عراق، قاره آفریقا، عربستان سعودی، ایران، لبنان، ارمنستان، فرانسه، مصر، ترکیه، یمن، بیت المقدس، سوریه، بحرین، هندوستان، مرو یا خراسان واقع در شوروی سابق، افغانستان، اردن، عمان، پاکستان، اتیوپی، ازبکستان، منطقه قفقاز.

۳. رک: قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۵۸۷ تا ۶۰۰.





ملاک گزینش کارگزارانش، ملاک‌های قرآنی و الهی است. این مهم به همراه سایر ویژگی‌های حکومت طیبه مهدوی باعث می‌گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام‌های سیاسی گوناگون بوده و با اجرای کامل عدالت، جهان شاهد رفع شکاف‌ها و محرومیت‌های ناشی از استکبارورزی و زیاده‌خواهی ملل و دول زورمند باشد. و استعدادها و توانمندی‌ها و کلیه حقوق ابناء و جوامع بشری اعم از ضعیف و قوی محقق گردد و به اصطلاح امروزی جهان نه با توسعه ناموزون بلکه با توسعه موزون مواجه گردد.

از ادله دیگر دال بر نفی قومیت‌پرستی و نژادگرایی نهضت جهانی موعود؛ کثرت روایاتی است که مشعر بر آنست که با وجود عرب و قریشی بودن حضرت مهدی عجل الله فرجه، نه تنها اعراب و قریش در این دولت جهانی به عنوان قوم و طبقه ممتاز شناخته نمی‌شوند، بلکه بسیاری از آنها بر حسب آزمایشها و ابتلائات عصر مهدوی، مرتد گشته و توسط حضرت نابود می‌گردند، حضرت نه تنها به خاطر مشابَهت قومی با ایشان، ملاحظه آنها را نمی‌کند، بلکه طبق مبانی متقن الهی، ایشان را به خاطر کفر و نفاقشان گردن می‌زند و بر آنها



سخت می‌گیرد. (۱)

۱۰ - حکومت شبه فدرالی و احترام به سایر ملل: از برخی روایات این گونه استفاده می‌شود که حکومت جهانی مهدوی و جهانی سازی وی در عین حال که عالم‌گیر بوده و بر سراسر جهان، اسلام و قوانین اسلامی حاکم است؛ لیکن سایر ملل نیز در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم، ضمن تبعیت از حکومت جهانی، دارای آزادی‌هایی در پیروی از رسوم و فرهنگ‌های ملی غیرمتعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها ملحوظ می‌فرمایند:

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: وقتی قائم قیام کند قاطع و حکومت‌های طایفه‌ای از بین خواهند رفت. (۲) در عین حال امام صادق علیه السلام اذعان می‌فرمایند: وقتی قائم ما قیام کند به هر منطقه‌ای نماینده‌ای می‌فرستد و به او می‌گوید: حکومت در اختیار توست، هر چه مصلحت می‌بینی عمل کن. (۳)

۱۱ - نوسازی و احیاء دینی بر مبنای مقتضیات جدید: یکی از ویژگی‌های فرابرد جهانی شدن؛ لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و حرکت بر مبنای

۱. ر.ک: علی دوانی، مهدی موعود، ص ۲۴۰ تا ۲۴۲.

۲. سعادت‌پرور، ظهور نور، ص ۲۰۲، (به نقل از اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۴۰۹).

۳. همان، ص ۲۰۳، (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۲).



تحولات تازه و پاسخگویی به امور جدید است. *
 قبلاً بیان گردید اسلام با اتکاء به ماهیت خود بر
 مبنای سنت مترقی اجتهاد، این انعطاف پذیری را به
 عنوان/جزء همیشگی خود به همراه دارد. نظام
 جهانی سازی مهدوی نیز از این خصیصه ضروری
 غافل نبوده و کاملاً بدان مجهز است. در عصر
 مهدوی، جهان با احیاء اسلامی نوین و نوسازی
 دینی مواجه خواهد گردید. به فرموده
 امام صادق علیه السلام: چون قائم قیام کند امر تازه و احکامی
 تازه می آورد، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اول اسلام
 همین گونه عمل نمود و خلائق را به امر جدید دعوت
 نمود^(۱)... آن حضرت کارهای مشابه رسول خدا انجام
 می دهد. وی همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امور
 جاهلیت را بر هم زد، امور قبل از خود را بر هم می زند
 و قائم، دین اسلام را تازه می کند.^(۲)

همین تعبیر نیز در بیان امام باقر علیه السلام آمده است،
 آنجا که می فرماید: قائم کتابی جدید، امری جدید و
 حکمی جدید می آورد و بر عرب سخت می گیرد.^(۳) در
 روایت ارزشمند دیگری از همین امام همام، ایشان
 ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره

۱. علی دوانی، مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴ (به نقل از ارشاد
 شیخ مفید، ص ۳۶۴).

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. سعادت پرور، ظهور نور، ص ۱۹۹، (به نقل از اثبات الهداة، ج
 ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۲).



* پیامبر ﷺ در ابطال احکام جاهلیت، می فرمایند:
 ... همچنین است قائم وقتی قیام کند؛ باطل می گرداند
 احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلاق
 بوده و با عدالت در میان خلاق رفتار می کند. (۱)
 بدین منوال جهانی سازی مهدوی، معطوف به
 احیاء و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید آن بر
 حسب مقتضیات جدید بوده و بدیهی است چنین
 امری منجر به شفافیت اسلام و افزایش پیروان آن
 دین حنیف خواهد گردید و دیگر نیازی به بحث و
 فحص های طاقت فرسای علمی و حوزوی برای
 فهم و دریافت آراء واقعی شارع مقدس نیست و
 اکثر شیوه های درسی و اجتهادی و استنباطی، کهنه
 و غیر قابل استفاده خواهد گردید. عالم عالیقدر
 آیه الله فقید قزوینی در اثر خویش این مطلب را در
 تحلیلی جامع این گونه بیان فرموده اند: خدا می داند
 که این تحول مطلوب و مترقی چگونه خواهد بود، اما به
 نظر می رسد بسیاری از کتابهای فقه و حدیث، نوسازی
 گردد و نقش بسیاری از موضوعات کتابهای اصولی به
 پایان برسد، چرا که امام مهدی عجل الله فرجه قواعد عمومی
 برای دریافت مسائل شرعی و مقررات دینی را بیان
 می کند و در پرتو همان ها فقهاء را از بسیاری بحث های
 اصولی و قواعد آن بی نیاز می گردند.

۱. علی دوانی، مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۸۴، (به نقل از تهذیب،
 ج ۶، ص ۱۵۴، باب ۷۰، ح ۱).





کتابهای مربوط به شرح حال راویان احادیث که به کتابهای رجالی معروفند و نیز شرح حال و بیوگرافی آنان و تقسیم‌بندی روایات به صحیح و ضعیف و اصطلاحاتی از این قبیل، همه و همه نقش‌شان به پایان می‌رسد؛ چرا که این بحث‌ها بیشتر به حدس و ظن تکیه دارد و در عصر غیبت به خاطر نرسیدن دست مردم به امام معصوم علیه السلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در عصر ظهور، مردم به مقررات و احکام قطعی دست می‌یابند و از این‌ها بی‌نیاز می‌گردند.

و نیز در عصر ظهور، بیشتر کتابهای تفسیری از اعتبار ساقط می‌شود. چرا که مردم با رشد فکری و ژرف‌نگری برخواسته از فرهنگ عصر ظهور، به تفسیرهای برگرفته از نظرات افراطی افراد، بها نمی‌دهند. از این رو تنها تفاسیر برخاسته از روایات رسیده از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام باقی می‌ماند.

همین‌گونه قرائت‌های مختلف از قرآن شریف که دلیلی برای آنها نازل نشده است برداشته می‌شود. چرا که مردم قرآن و قرائت صحیح آن را - به گونه‌ای که بر قلب مصطفای محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمده است - از امام مهدی عجل الله فرجه می‌آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را، آن‌گونه که خدا اراده فرموده می‌شناسند و بر معارف بلند و راز و رمز شگفتی‌های آن، که همچنان ناشناخته و پوشیده است، آگاهی می‌یابند... (۱)



۱. قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۵ و ۷۳۶.



۱۲ - تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاهاى ارتباطى

۵۴ / حکومت جهانی امام عصر
 و رسانه‌ای: در دولت جهانی مهدوی، فضاهاى ارتباطى و رسانه‌ای دچار تحولات شگرف و بنیادینى خواهد شد که ساده‌ترین برداشت از روایات وارده، استفاده از رسانه‌هایی مانند اینترنت و تلویزیون و گسترش ارتباط مردم با یکدیگر از این طرق را به ذهن متبادر می‌کند. ولی به نظر می‌رسد که این روایات حاکی از پیشرفت‌های وسیعی در این زمینه باشد و بتوان این دوره را از حیث وضعیت رسانه‌ها و ارتباطات به دوره‌ای بسیار فراتر از دوره ظهور ابررسانه‌ها تشبیه کرد. ابتدا روایاتی در این زمینه یادآوری می‌گردد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ان المؤمن فی زمان القائم و هو فی المشرق لیری آخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری آخاه الذی بالمشرق؛^(۱) مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق است، برادر خویش را که در مغرب است می‌بیند و همچنین آنکه در مغرب است برادر مؤمن خویش را در مشرق می‌بیند.

و یا در فرازی قابل تأمل‌تر فرموده‌اند: ان قائمنا اذا قام مدالله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم، حتی لا یکون بینهم و بین القائم برید یکلمهم فسیعون و ینظرون الیه

۱. همان، ص ۷۷۳. (به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱ و معجم احادیث المهدی، ج ۴، ص ۵۶).



و هو فی مکانه؛^(۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنها و مهدی ما نامهرسان یا واسطه‌ای نباشد.

فهم روایت اول با وجود پیشرفت‌های امروزی عرصه فناوری ارتباطات همانند تلویزیون و اینترنت، دشوار و پیچیده نیست. اما با توجه به روایت دوم، به نظر می‌رسد که پیشرفت‌های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاها و ارتباطی آنها منحصر در تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی نباشد، بلکه این خود مؤمنین هستند که بواسطه سطوح عالی ایمانی خود، برخوردار از کمالات اعطایی الهی شده و گوش و چشمهای آنان دارای قدرت فرابینی، فراشنوایی و فرامکانی گردیده و همانطور که می‌توانند در هر لحظه با یکدیگر ملاقات سمعی و بصری داشته باشند؛ می‌توانند با حضرت مهدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز از چنین ارتباطی برخوردار باشند و از فیض مطلق وجود او در ورای مکانها و زمانها استفاده نموده و نزد ایشان برای متابعت و پیروی دائم الحضور باشند. بدیهی است در عصر حضور که هر چیز به کمال نهایی خود می‌رسد، تجهیز انسانهای مؤمن - به عنوان اشرف مخلوقات - به



۱. همان. (به نقل از کافی، ج ۸، ص ۲۴۰، خرائج ج ۲، ص ۸۴۰ و معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۷).

✱ چنین مواهب الهی دور از ذهن نیست و به همین خاطر می توان تصور کرد که با این پیشرفتهای در خلقت انسانهای برگزیده، کشف سایر کرات در فضاهاى لایتناهی و افشای میلیاردها اسرار نهفته در کائنات برای بشر عصر ظهور نیز نه تنها ممکن، بلکه به منتهای حد خود خواهد رسید و اسرار بی شمار کائنات بر ایشان کشف خواهد گردید.

۱۳- رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و

جانداران: جهانی سازی مهدوی همانند جهانی سازی غربی تأثیرات و تبعات تخریبی نسبت به محیط زیست و ساکنان موجود در آن ندارد، آن گونه که امروزه جهان با مشکلات زیست محیطی عظیمی مانند سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن زمین بر اثر گازهای گلخانه‌ای، نابودی جنگل‌ها، روند رو به انقراض پاره‌ای از موجودات، آلودگیهای صنعتی و شیمیایی محیط زیست و... مواجه است. پیامبر اکرم در فرازی زیبا، خشنودی کلیه موجودات انسانی و غیر انسانی را از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه با عبارت **یرضی عنه ساکن الارض و السماء** ^(۱) بیان فرموده‌اند و در بیانی دیگر، حکومت مزبور را مایه رفاه و فرح و شادمانی کلیه موجودات به شمار آورده و می فرمایند: **فیفرح به**

۱. ر.ک: سعادت پرور، ظهور نور، ص ۲۰۷، (به نقل از التشریف

بالممن، ص ۱۴۶، ح ۱۷۵).



اهل السماء و اهل الارض و الطير و الوحوش و المحتيان
في البحر؛^(۱) ساکنان آسمان و مردم زمين، پرندگان،
درندگان و ماهيان دريا، همه در سايه لطف و حکومت
او شادمان و فرحناک هستند.

بدیهي است که اين شادمانی صرف نظر از
رعایت آرمانی حقوق کلیه جانداران و حفظ حقوق
محیط زیست آنها در دولت جهان شمول مهدی
موعود عجل الله فرجه قابل تحقق و میسر نیست. همچنین در
روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده که حتی در دولت
حضرت مهدی عجل الله فرجه، درندگان آزادانه و بدون مزاحمت
زندگی می کنند.^(۲) این امر بیانگر اوج صلح و
آرامشی است که دولت جهان شمول مهدوی برای
بشریت به ارمغان خواهد آورد. دولتی که عالم را به
سمتی سوق خواهد داد که تمام آیات الهی به
منتهای ظهور خود برسند. حق و باطل از هم جدا
شوند و بنا به پاره‌ای استنباطها، دیگر معصیت
خدای سبحان انجام نشود و باری تعالی با کمترین
دخالت هوای نفس و بدون وسوسه شیطان به طور
خالص عبادت گردد، تا جائیکه مردگان نیز با اشک
شوق خواهان رجعت به دنیا و احیای خویش از
خداوند می گردند تا افتخار و آرزوی زندگی در این

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۲، ب ۳، ح ۳.

۲. ر.ک: شریعت زاده خراسانی، حکومت جهانی مهدی از
دیدگاه قرآن و سنت، ص ۲۷۹، (به نقل از الاحتجاج طبرسی،

ج ۲، ص ۱۱).



✱ دوره برای آنها نیز محقق گشته و یاری‌گر موعود الهی باشند.

استنتاج

در مقاله حاضر، مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی و برداشتهای مختلف از آن تبیین گردید. بیان شد که یکی از اصلی‌ترین آموزه‌های این پدیده، در حال حاضر جهانی سازی غربی یا آمریکایی است. سپس با تشریح پیامدهای کلیت راهبرد مزبور، و ضمن عدم نفی پیامدهای مثبت آن، تبعات منفی و ویرانگر جهانی سازی غربی نیز بیان شد. روشن گردید در بطن این آموزه چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، سلطه‌گری، هژمونی طلبی، استکبارورزی، استعمار و امپریالیسم نهفته است و این گونه جهانی سازی به دلیل ماهیت تعرضی و استکباری و انحصارطلبانه خویش؛ فرایندی مادی، یک‌سویه، مصنوعی و غیرجهان‌شمول و سکولار است که هدفی جز یکپارچه سازی جهانی و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه‌داری و سردمداری آمریکا را دنبال نمی‌کند. بازار سودگرایانه و سود محورانه مادی که همه مؤلفه‌های حیات اجتماعی از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ را به زبان منفعت طلبی و استکبارورزی و سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر آنها علیه سایر





کشورها و فرهنگ‌ها را ترجمه می‌کند و مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی سرمایه‌سالارانه و میلیتاریستی است. و می‌توان آن را یک پروژه تحمیلی و یک طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی دانست که تلاش می‌نماید ایدئولوژی‌های غربی را با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری به کل جامعه بشری تحمیل کند و از این طریق در صدد فراگیرکردن شیوه زندگی آمریکایی و غربی‌کردن انسان‌ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سود و سرمایه است. و نابودی سنن و فرهنگ‌های محلی، و امحاء ادیان رقیب، نابودی محیط زیست و وابستگی مستمر کشورهای ضعیف به کشورهای غربی را دنبال می‌کند و به دروغ سعی دارد نظام فکری و اجرایی لیبرال دموکراسی را به عنوان الگوی تکاملی مشترک برای کل جوامع انسانی معرفی و دیکته کند. در حالی که در عمل ناکارآمدی این ایده چه در سپهر اندیشه و چه در حوزه عمل و اجرا ثابت شده و بحرانهای فعلی گریبان‌گیر رژیم‌های غربی، مؤید این مدعا است.

از سویی در این مقاله، به جهان‌شمولی تعالیم عالیة اسلام و سزاواری آموزه جهانی‌سازی مهدوی برای ارائه الگویی جهان‌شمول، فراگیر، امیدزا و تحرک‌آفرین جهت تکامل جامعه بشری و نجات آن از ورطه‌ها و حرمان‌ها و تنگناهای موجود، به



* گونه‌ای مستدل اشاره گردید. به اذعان مستدلانات پژوهش، آموزه جهانی سازی مهدوی می‌تواند ترجمان بخش مثبت فرایند جهانی شدن فعلی باشد. یعنی با استفاده از عرصه‌های مختلف فن آوری و سایر مواهب خداداد در عصر ظهور، مانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کرده و محرومیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد. هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی و انسانی را بر جهان حکم فرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را میان بشریت ایجاد نماید. دولت جهانی مهدوی با زعامت آخرین معصوم الهی، می‌تواند خاتمیت دین و رسالت جهان شمول نبوی را تکمیل و معنا بخشد. مردم دنیا را هم پیکر نموده تا همانند یک اندام‌واره و با تبعیت از تعالیم عالیه و نوسازی شده اسلامی، در فکر صلاح و اصلاح یکدیگر برآمده و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مخل تکامل بشری و پلشتی‌های گیتی مبارزه نمایند و با رخت بر بستن هوا و هوس‌های شیطانی به عبودیت و خلوص در پرستش الهی واصل گردند. بدیهی است این امر تنها در پرتو حکومت جهانی مهدوی و تشخیص ویژه آن به شاخصه‌هایی از جمله موارد زیر میسر است.

۱- حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری.



- ۲- حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی.
 - ۳- برقراری امنیت و آرامش همه جانبه.
 - ۴- رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر.
 - ۵- رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری.
 - ۶- تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی.
 - ۷- گفتمان واقعی و احتجاج با سایر ادیان.
 - ۸- حفظ و ارتقاء کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه.
 - ۹- نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی.
 - ۱۰- حکومت شبه فدرالی و احترام به سایر ملل.
 - ۱۱- نوسازی و احیاء دینی بر مبنای مقتضیات جدید.
 - ۱۲- تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاهاى ارتباطی و رسانه‌ای.
 - ۱۳- رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جانداران.
- واضح است دولت جهانی مهدوی با این ویژگی‌های آرمانی خواهد توانست طرح آرمانی جهانی سازی دولت کریمه اهل بیت و حیات طیبه موعود قرآن را در فراخنای گیتی محقق نماید.

